

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبه‌هنگ راد

۲۰ جنوری ۲۰۲۰

آموخته‌هایی از عزیمت خیزش آبانماه [عقرب]

غلطت سیاسی جامعه ایران رفته‌رفته در گردِ نوین‌تری، در آبانماه [عقرب] مراقبان نظام کنونی را مورد مخاطب قرار داده است. رودرروئی سیاسی - عملی جوانان با سرکردگان نظام جمهوری اسلامی، یادآور و همسویی با جوش‌های مبارزاتی دهه‌های قبل‌تر بوده و اگرچه، خیزش همه‌گیر آبانماه به مانند اعتراضات پیشین، فاقد ثمره‌های لازمه و بایسته پیرامون کسب مطالبات دیرینه‌اش بوده است، ولی و به طور قطع می‌شود گفت که آورنده تجارب گرانبها، دست‌آوردهای غنی و به خصوص اعلان جدلی تازه‌تر به حاکمان و قدارمندان ایران می‌باشد. در هر صورت و علی‌رغم تسلط مجدد سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بر مسند قدرت، جنبش‌های اعتراضی ایران در بطن خود، از آموزه‌های گوناگون و وافی همچون ضعف‌ها، عقب‌نشینی‌ها، شکست‌ها، ایستادگی و مقاومت برخوردار می‌باشند که توجه و دقت آنی بدان‌ها، می‌تواند خیزش و جنبش‌های اعتراضی آتی کارگری، توده‌ای و جوانان را به سمت والاتری رهنمون سازد.

بدرست پندارها بر آن است که کنش و واکنش سیاسی دو سوی جامعه - یعنی عمل و عکس‌العمل بالائی‌ها و پائینی‌ها -، از آغاز بر سر کار گماری سران رژیم جمهوری اسلامی پُر تب و تاب، ناآرام و پرسروصدا بوده است. به طور مثال جامعه در آغاز حاکمیت سران رژیم جمهوری اسلامی، شاهد تعرض ارگان‌های سرکوبگر به زنان و دختران تحت عنوان "یا روسری، یا توسری" و به دنباله پایداری آنان در برابر سیاست‌های ارتجاعی و عقب‌مانده؛ تعرض سازمانیافته و مسلحانه به خلق‌های ستم‌دیده گردستان و ترکمن‌صحرا و نبرد قهرمانانه ستم‌دیدگان در برابر نیروهای مسلح نظام؛ هجوم دامن‌شانه به هزاران زندانی کمونیست، مبارز و مخالف در درون سیاه‌چال‌های مخوف و به تبع مقاومت و ایستادگی زندانیان در برابر شکنجه‌گران و جلادان؛ یورش پی در پی و تحمیل قوانین ضد کارگری، به کارگران توسط نهادها و ارگان‌های وابسته به دولت و متعاقباً اعتراض و اعتصاب آنان، در برابر ناامنی‌های شغلی و عدم پرداخت دست‌مزدهای تعیین شده؛ اعتصابات و اعتراضات دانشجویان در درون دانشگاه‌ها پیرامون سیاست‌های سرکوبگرانه و دیگر محدودیت‌های تحصیلی توسط قدرت‌مداران و دیگر نهادهای ضد دانشجویی و غیره، حکایت از بی‌قراری و پویایی جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده‌ای، زنان، دانشجویان و جوانان، نسبت به مدافعان مناسبات و سیستم امپریالیستی نظام حاکم بر ایران دارد.

پُر واضح است که دلیل و بروز چنین رخداد‌های مبارزاتی، یعنی بالندگی جنبش‌های اعتراضی هم‌چون آبانماه، مربوط به اتخاذ سیاست‌های سرکوب‌گرانهٔ سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، در قبال خواست‌های بدیهی میلیون‌ها انسان دردمند و آسیب‌دیده است. نظام حاکم بر ایران، ظلم، ستم، تبعیض و نابرابری‌های رفاهی، اجتماعی و سیاسی را در ابعادی بی‌سابقه و آن‌هم توأم با بگیر و ببندها و خشونت، بر پهنهٔ جامعه حاکم گردانده است. به عبارت دقیق‌تر خشونت در درون جامعه نهادینه و به یگانه سیاست سردمداران رژیم جمهوری اسلامی تبدیل گشته است. بیش از ۱۵۰۰ گشته در تظاهرات آبانماه امسال، بازگوکنندهٔ جایگاه راکارِ سران حکومت نسبت به خواست‌های مسالمت‌آمیز میلیون‌ها انسان رنج‌دیده است. نظام جمهوری اسلامی دستگیر کرد و زد و کشت تا حاکمیت و سیستم طبقهٔ سرمایه‌داری محفوظ بماند. دولتی نیست که جمهوری اسلامی زبان و منطقش، زبان زور و خشونت است و بدون به کارگیری سلاح، نظام وامانده و نظام فاقد حیات می‌باشد. به طور یقین روزی از صفحات تاریخ سیاسی سران حکومت، بدور از خون و خون‌ریزی و بدور از تعرض به معیشت کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستمدیده و محروم نیست. شوربختانه سران حکومت تاکنون هزینه‌های بس سنگین و جبران‌ناپذیری از جنبش‌های اعتراضی گرفته‌اند که توضیح دقیق آن‌ها ناممکن می‌باشد. نزدیک به چهار دهه هزاران مادر داغ‌دیده در گورستان‌های متفاوت کشور به دنبال فرزندان‌شان‌اند؛ هزاران کارگر زندگی‌شان در اثر زیاده‌خواهی صاحبان تولیدی و کارفرمایان به تباهی کامل رفته است و صدها تن دیگر، جان‌شان را در اثر بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری کارخانه‌داران از دست داده‌اند؛ بدن نحیف ده‌ها دانش‌آموز و آن‌هم در مدارس فاقد استاندارد سوخت و در این‌میان کسی پاسخگوی این‌دست جنایات و فجایع دردناک نیست.

معلوم است که جامعه در برابر اعمال جنایت‌بار و هزاران مصیبت دست‌ساز زورگویان و استثمارگران تاب نخواهد آورد و مسببان اصلی آن را به مصاف خواهد طلبید؛ معلوم است که نظام طبقاتی حاکم بر ایران، مولد تشنج و متعاقباً تولیدگر مقاومت و نیز مقابلهٔ رودرونی کارگران، زحمت‌کشان، جوانان و قربانیان نظام امپریالیستی با مدافعان آن خواهد بود. بی دلیل نیست که جامعه از آرامش دل‌خواه حاکمان بدور شده است و اضافه بر این بی‌دلیل هم نیست که نظام، هر آنچه را که در توبره داشته و دارد به میدان کشانده است تا جنبش‌های اعتراضی و واخواهی میلیون‌ها انسان رنج‌دیده را به عقب راند. جدال بی‌سابقهٔ مردم و جوانان بیست و نه استان، از سی و یک استان کشور در آبانماه، نمونهٔ گویای انزجار و تنفر قربانیان نظام امپریالیستی و رنج‌دیدگانیست که این‌روزها جامعه در ابعادی دیگر شاهد آن می‌باشد؛ جدال و رودرونی بی‌امان و سرنوشت‌سازی که شکل تازمتر و رادیکال‌تری به خود می‌گیرد و بار دیگر و پُر سر و صدا تر و همه‌گیرتر، دُهل پایانی رژیم وابستهٔ جمهوری اسلامی را خواهد نواخت.

به هر حال و خلاف اراجیف و یاهوگوئی‌های منادیان و جیرمخواران سرمایه - مبنی بر ادامهٔ جنبش‌های "مدنی" و مسالمت‌آمیز -، مردم تصمیم خود را بر سر عدم ماندگاری سران رژیم بر اریکهٔ قدرت گرفته‌اند و بارها و بارها و به اشکال متفاوت، نظر سیاسی و عملی خود را نسبت به سیاست‌ها و قوانین نوشته شدهٔ جانپان بشریت اعلام کرده‌اند. تحمیل چهار دهه فضای سیاسی بستهٔ سران حکومت به جامعه از یکسو و نارضایتی گستردهٔ میلیون‌ها کارگر و جوان در پهنهٔ ایران علیه بی‌عدالتی‌های موجود از سوی دیگر، نشان از تشنج بنیادی دو سوی متضاد از هم است که بی‌گمان اعتراضات آبانماه، نه از تک‌نمونه‌ها، بساکه بیان چندین بارهٔ خواسته‌های پامال شدهٔ دردمندان، اعلان علنی و تازمتر مبارزاتی جوانان و محرومان به حاکمان ایران، و نیز تجسم تصفیه حساب سیاسی نهائی، با جرثومه‌های فساد و تباهی از اریکهٔ قدرت است.

در حقیقت سران نظام بُرستی پی بُرده‌اند که جامعه تماماً در تقابل با آنان قرار گرفته است و مضافاً این‌که پی بُرده‌اند، میزان فروریزی سیاسی و حکومت‌مداری‌شان بیشتر و بیشتر شده است. یعنی این‌که ماندگاری‌شان به تار مویی بند شده

است؛ یعنی این‌که علی‌رغم سازمان دادن اُرکسترهای عزاداری و مذهبی، پیرامون مرگ قاسم سلیمانی، فضای جامعه برای حاکمان و دار و دسته‌های متفاوت‌شان، ناامن و ناامن‌تر شده است؛ یعنی این‌که مردم و جوانان تصمیم‌گیری خود را نسبت به سران حکومت گرفته‌اند و خواهان ادامه حکومت، حکومت‌مداران جانی و وابسته به امپریالیسم و آن‌هم با هر ظاهر و رنگی نیستند؛ یعنی این‌که دسیسه‌ها و توطئه‌های سردمداران رژیم، کاملاً فاقد کاربرد در میان توده‌های رنج‌دیده و جوانان شده است. اعتراضات چند روزه اخیر و آن‌هم در چندین شهر ایران از جمله تهران، یزد، کرمانشاه، بابل و غیره - و به ویژه در حول و حوش "سوگواری" سلیمانی -، نشانه افکار و خواسته‌های میلیون‌ها انسان دردمند و جوانانیست که جان‌شان از دست سران حکومت به لب‌شان رسیده است.

قرار بر این بود که سران رژیم به مدت طولانی‌تر از مرگ "سردار" نظامی برون مرزی‌شان، بهره‌برداری‌های سیاسی کنند؛ به خیال خود بر آن بودند تا در فضای "سوگواری" یکی از فرماندهان جنایت‌پیشه، بار دیگر فضای سکوت و رعب و وحشت بعد از تظاهرات گسترده آبانماه در سرتاسر جامعه را حاکم گردانند؛ اما غافل از آن‌که، قرار بر این نبوده است که جنبش‌های اعتراضی و جوانان، از طرح مطالبات و خواسته‌های دیرینه‌شان پس کشند و هم‌سو با سیاست‌های سران نظام، به سوگ جانیانی هم‌چون قاسم سلیمانی بنشینند. به این علت که سوگواری سازمانده شده نظام، با برگزاری گرامیداشت جانبازان راه رهایی و همچنین راه‌اندازی تظاهرات و تجمعات مردمی، از دو جنس متضاد از هم‌اند که یکی نافی دیگریست. انصافاً سران حکومت دریافته‌اند که جنبش‌های اعتراضی سر دراز دارند و حاضر به معامله، حاضر به سکوت و یا حاضر به تن دادن به دسیسه‌ها و انتخاب مسیر خودساخته دولت‌های امپریالیستی، عناصر و دیگر دار و دسته‌های وابسته‌شان نیستند. نظام در انتظار آرامش بیش از این در درون جامعه بوده است و در مقابل جامعه ناآرام، در مدت زمانی کوتاه، جواب خود را به حامیان و به منادیان سرمایه داده است. چرا که قبل‌تر جنبش اعتراضی آبانماه، مهر مخالفت همه‌گیر و پیشرونده خود را در سرتاسر جامعه کوبیده است و بدون کمترین شک و تردیدی، رشد و حاصل‌خیزی آن، منوط به کنار زدن ضعف‌ها، منوط به دخالت‌گری‌های عملی و رویارویی دسته‌ها و تجمعات سازمانیافته روشن‌فکری و کمونیستی با ارگان‌های مسلح و سرکوبگر رژیم - و آن‌هم به موازات جنبش‌های اعتراضی - است. به این علت که جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده‌ای - با هر میزان آگاهی و دانش سیاسی -، بدون هدایت و پشتیبانی عملی عناصر و نیروهای سازمانیافته و مسلح کمونیستی، به اهداف لگدمال شده خود دست نخواهند یافت. بنابراین ثمره و عزیمت جوش‌های اعتراضی گسترده آبانماه، در بستر چنین سیاستی، یعنی در انتخاب سیاست نظامی مدافعان طبقه کارگر و دیگر توده‌های محروم علیه نیروهای مسلح به ثمر خواهد نشست و قدم به‌قدم، زمینه فروپاشی حکومت‌مداران ایران را فراهم خواهد کرد. در حقیقت به کرات و به دفعات گوناگون جامعه، کارگران، زحمت‌کشان، زنان، جوانان و بالاخره قربانیان نظام امپریالیستی، خواست‌ها و اعمال مختص به قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه را اعلام کرده‌اند و با تمام وجود، آماده پس زدن تمامی دم و دستگاه‌های سرکوبگر و عناصر رنگ و وارنگ نظام جمهوری اسلامی‌اند. پس جنبش‌های صدمه‌دیده، نیازمند استفاده از فرصت‌هایی هم‌چون دیمه نود و شش، و آبانماه نود و هشت می‌باشد و آشکار است که رسالت و استفاده مثمرتر از آن‌ها، بر عهده همه مدعیان منافع کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستم‌دیده و محروم است. با این اوصاف حضور در درون جامعه و تماس ممتد با توده‌ها و به ویژه سازمان‌دادن اعتراضات کارگری، و مازاد بر همه این‌ها صدمه زدن به نهادها و ارگان‌های سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، فرصت‌ها و پیشروی‌های اعتراضی - مبارزاتی را دو چندان خواهد کرد و گام به‌گام، نظام را به جایگاه حقیقی‌اش هل خواهد داد.

خلاصه و خلاف بعضاً نظرات طرح شده مبنی بر این که جنبش های اعتراضی کارگری و توده‌ئی با ادامه روش های "متمدنانه" و مسالمت آمیز، و یا بدون هدایت گران کمونیستی، سلطه و مناسبات سرمایه داری وابسته در ایران را زیر و رو خواهند کرد، چیزی جز خام اندیشی، و چیزی جز انحراف و پس زدن آرمان و خواست های کارگری و آن هم به عنوان یگانه طبقه تا به آخر انقلابی نیست. روشن شده است که اعتراضات کارگری و توده‌ئی و جوانان مادامی که، ثقل و مرکز اصلی حافظ بقای نظام امپریالیستی - یعنی ارگان های مسلح - را نشانه نگیرند، مناسبات امپریالیستی به طرقی دیگر پا بر جا خواهد ماند. این ها از زمره آموزه ها و درس های گران بهائی ست که می توان از دل دیگر مبارزات کارگری و توده‌ئی سرتاسر جهان و به ویژه منطقه خاورمیانه آموخت. در هر صورت جنبش اعتراضی آبانماه، علی رغم انتخاب رویه تازه تر، نیاز به سازمان منطبق با قانون مندی های حاکم بر جامعه دارد؛ قانون مندی های خشنی که به جزء جدائی ناپذیر سیاست های دولت مردان ایران تبدیل گشته است. مجال و راهی به غیر از رودرروئی عملی، در برابر طلب کنندگان دموکراسی و آزادی، و نیز پیگیران مطالبات و خواست های کارگری و توده‌ئی نیست. پس خواست های بنیادی اعتراضات آبانماه، تنها با عزیمت به چنین مسیری ثمره خواهد داد.

۱۹ جنوری ۲۰۲۰

۲۹ دیماه [جدی] ۱۳۹۸